

## چشمان فرشته

### Angel Eyes

کارگردان: لویس ماندوکی  
نویسنده فیلمنامه: جرال دای پگو  
بازیگران: جنیفر لویز (شارون پاک)، جیم کاویه زل (کچ)،  
سونیا براگا (جوزفین پاک)، ترنس هاوارد (رابی)، شرلی  
نایت (الانورا دیویس)  
زمان فیلم ۱۰۳ دقیقه و ۲۱ ثانیه. مناسب برای سنین  
بالای ۱۵ سال. محصول ۲۰۰۱ آمریکا.

شیکاگو، زمان حال.

یک زن پلیس به نام شارون پاک، به محل وقوع تصادف یک اتومبیل می‌رسد و بلافاصله ترتیب رساندن کمک‌های اولیه به راننده مصدوم را می‌دهد، اما ما نمی‌دانیم که راننده زنده می‌ماند یا نه.

یک سال بعد، مردی لاغر اندام شروع به تعقیب شارون می‌کند. شارون در یک درگیری گرفتار می‌شود و در اثر شلیک گلوله‌ای زخم برمی‌دارد. اما مرد لاغر اندام مداخله می‌کند و او را نجات می‌دهد. شارون پی می‌برد که نام مردی که نجاتش داده «کچ» است. کچ در آپارتمان خود که تقریباً خالی از وسيله است زندگی می‌کند. شارون نیز که به واسطه شغل خود مجبور است زمان زیادی را خارج از خانه بگذراند، تقریباً چنین وضعی دارد و مجرد زندگی می‌کند. هر دو رابطه‌ای یا یکدیگر شکل می‌دهند، اما کچ درباره گذشته خود هیچ حرفی نمی‌زند. یک شب، موقعی که شارون و کچ به اتفاق یکدیگر به سالن بار جاز رفته‌اند، کچ روی صحنه می‌رود و تک‌نوازی درخشانی اجرا می‌کند. به نظر می‌رسد که مدیر سالن، کچ را به خوبی می‌شناسد، اما کچ با او

صحبت نمی‌کند. شارون متوجه می‌شود که نام واقعی او کچ نیست، بلکه وی یک موزیسین جاز است که پس از سانحه‌ای که طی آن همسر و دو فرزندش کشته شده‌اند، دچار مشکل روحی شده و مرگ خانواده‌اش را باور ندارد. شارون ترتیبی می‌دهد تا کچ با گذشته خود مواجه شود و آن را ببیند، اما کچ در اثر این کار متحمل رنجی عظیم می‌شود و رابطه‌اش با شارون موقتاً مختل می‌گردد.

شارون در مراسم جشنی که پدر و مادرش ظاهراً به مناسبت بزرگداشت ازدواج خود ترتیب داده‌اند، شرکت می‌کند. سال‌ها قبل شارون قضیه کتک خوردن مادرش از دست پدر را به مأموران محلی گزارش داده و پدرش از آن پس هیچگاه او را نبخشیده بود. در طی مراسم جشن نیز، برخورد خانواده با او به‌سردی صورت می‌گیرد و شارون یکبار دیگر در آشتی با خانواده‌اش شکست می‌خورد. کچ، بیرون خانه به انتظار شارون نشسته است. او گذشته‌اش را پذیرفته و آماده است تا رابطه‌اش را با شارون از سر گیرد.

## دیوانه / زیبا

### Crazy / Beautiful

کارگردان: جان استاک‌ول  
نویسنده فیلمنامه: مل‌های، مت مانفردی  
بازیگران: کریستین دانست (نیکول اوکلی)، جی هرناندز (کارلوس نونز)، لوجیندا جنی (کورس اوکلی)، تارین مازینگ (مدی)، رولاندو مولینا (هکتور)، بروس دیویسون (تام اوکلی، عضو کنگره)  
زمان فیلم ۹۹ دقیقه و ۶ ثانیه. مناسب برای سنین بالای ۱۲ سال. محصول ۲۰۰۱ آمریکا.

لوس آنجلس، زمان حال.

نیکول اوکلی در حالی آشنا می‌شود که پس از دستگیری نشانی به خاطر رانندگی در حال مستی، مشغول جمع‌آوری اشیاء و نظافت ساحل است. این دو همدیگر را در مدرسه‌شان ملاقات می‌کنند. در آنجا کارلوس که فارغ‌التحصیل درجه یک است و خود را برای عضویت در دانشکده نیروی دریایی آماده می‌کند و نیکول نیز دانش آموز رشته عکاسی است که مرتباً در کالج، در دسر درست می‌کند. شبانه‌شب نیکول و دوستش مدی، کارلوس را سوار اتومبیل خود می‌کنند تا در حومه شرقی لوس آنجلس گشتی بزنند. مادر کارلوس،



موقع بازگشت او به خانه، به وی خرده می‌گیرد که چرا وقت خود را صرف پرسه‌زدن با یک دختر سفیدپوست می‌کند.

نیکول، کارلوس را به خانه‌شان در حومه اعیان‌نشین دعوت می‌کند و با وجود آنکه در نقطه دید پدرش «تام» قرار دارد، به کارلوس ابراز علاقه می‌کند. تعجب کارلوس زمانی دوچندان می‌شود که درمی‌یابد تام اوکلی همان عضو کنگره است که باید برای عضویت وی در آکادمی نیروی دریایی تصمیم‌گیری و کمک مالی کند.

کارلوس رابطه‌اش را با نیکول ادامه می‌دهد، اما تام (پدر نیکول) به کارلوس متذکر می‌شود که نیکول به‌خاطر خودکشی مادرش، به‌لحاظ عاطفی ثبات چندانی ندارد و بارها اقدام به خودکشی کرده است. تام، همچنین صراحتاً به کارلوس می‌گوید که در مقابل کمک‌های مالی و حمایت از وی برای عضویت در آکادمی، باید رابطه‌اش را با نیکول قطع کند. کارلوس با پیشنهاد پدر نیکول موافقت می‌کند اما مدتی بعد مجبور می‌شود نیکول را در وضعیتی نیمه‌هشیار، از یک میهمانی بیرون بکشد. در راه بازگشت به خانه با اتومبیل، هر دو دستگیر می‌شوند. قرار می‌شود نیکول به مدرسه ویژه‌ای در یوتا فرستاده شود، اما کارلوس پیشنهاد می‌کند تا هر دو با هم فرار کنند. آن دو شبی را در یک هتل می‌گذرانند، اما پس از آن باز می‌گردند. نیکول با پدرش روبرو می‌شود و هر دو قول می‌دهند تا اوضاع خود را عوض کنند. تام از کارلوس به‌خاطر آنکه شرایط مورد نظر را فراموش کرده، تشکر می‌کند و کارلوس به آکادمی می‌پیوندد.

## بوسه ازدها

### Kiss of Dragon

کارگردان: کریس ناهون  
 نویسندگان: لوک بسون و رابرت مارک کامن براساس  
 داستانی از جت لی  
 تهیه کنندگان: لوک بسون، جت لی، استیون چاسمن، هپی  
 والدز  
 بازیگران: جت لی (لیوجیان)، بریجیت فوندا (جسیکا)،  
 چکی کاریو (ژان پی بریشارد)، ریک یانگ (مستر بیگ)،  
 برت کوک (عمو تای).  
 زمان فیلم: ۹۷ دقیقه و ۵۳ ثانیه. مناسب برای سنین بالای  
 ۱۸ سال. محصول ۲۰۰۱ آمریکا و فرانسه.  
 پاریس، زمان حال.



و به قتل می‌رسد و در پی آن، ریشارد وارد صحنه شده و نوار  
 ویدیویی دوربین مداربسته را به دست می‌آورد. در جریان این  
 درگیری، عمو تای به دست یکی از آدم‌های ریشارد به نام ماکس  
 کشته می‌شود اما خود نیز توسط لیو به قتل می‌رسد. لیو به ارتباط  
 میان جسیکا و ریشارد پی می‌برد و همچنین متوجه می‌شود که  
 جسیکا در صحنه قتل حضور داشته است. با فهمیدن این موضوع،  
 به جسیکا قول می‌دهد در صورتی که نوار ضبط شده را به او باز  
 گرداند، دخترش را نجات خواهد داد. اما زمانی که هر دو به  
 پرورشگاهی که ایزابل در آن نگهداری می‌شود رخنه می‌کنند،  
 آدم‌های ریشارد متوجه می‌شوند و به آنها حمله می‌کنند. موقع  
 فرار، جسیکا مورد هدف قرار می‌گیرد. لیو، جسیکا را به بیمارستان  
 می‌برد و پس از آن با ریشارد روبرو می‌شود. او نبردی سخت را  
 با افسران زبردست ریشارد آغاز می‌کند و در آخر، با فنون ویژه‌ای  
 که به بوسه ازدها مشهور است، ریشارد را از پای درمی‌آورد. پس  
 از آن به سراغ ایزابل و جسیکا می‌رود...

ایوجیان، افسر ارشد دولت چین، وارد هتلی می‌شود تا در جریان  
 دستگیری یک قاچاقچی هروئین به پلیس فرانسه کمک کند،  
 اما تمام عملیات، درواقع نوعی صحنه‌سازی است. ژان پی بر  
 ریشارد، افسر فاسد پلیس، ترتیبی می‌دهد تا قاچاقچی در حین  
 عملیات کشته شود و از این طریق مانع لو رفتن خود گردد. ژان  
 پی بر، پس از آن، بلافاصله حادثه مرگ قاچاقچی را نتیجه مستقیم  
 سهل‌انگاری لیو جلوه می‌دهد. لیو، پس از مشاجره با نیروهای  
 تحت امر ریشارد، با نوار دوربین مداربسته‌ای که صحنه قتل را  
 ضبط کرده، فرار می‌کند، سپس با کمک رابط چینی خود عمو  
 تای، در جستجوی مکانی امن برمی‌آید. لیو تصادفاً با یک روسپی  
 آشنا می‌شود که دخترش ایزابل به عنوان گروگان در اختیار ریشارد  
 قرار دارد. نام زن روسپی، جسیکا است.  
 لیو با یک مأمور عالی‌رتبه چینی ملاقات می‌کند تا بتواند به‌نوعی  
 از اتهام قتل مبرا شود، اما مأمور چینی هدف گلوله قرار می‌گیرد

## جرج واشنگتن

### George Washington

کارگردان: دیوید گوردون گرین  
 نویسنده فیلمنامه: دیوید گوردون گرین  
 بازیگران: کاتاناس ایوانووسکی (ناسیا)، دانالد هولدن  
 (جرج ریچاردس)، دامیان جوان لی (دورمون)، کرتین  
 کاتن III (بادی)، راشل هندی (سونیا)، پل اشمید (ریکو  
 راین).  
 زمان فیلم: ۸۹ دقیقه و ۵۴ ثانیه. مناسب برای سنین بالای  
 ۱۲ سال. محصول ۲۰۰۰ آمریکا.

به زندان افتاده و او مجبور است با عمه و عموی خود زندگی کند.  
 او سگی را تربیت می‌کند، اما ناچار است از او مخفیانه نگهداری  
 کند، چون عموبش، داماسکوس، از حیوانات متنفر است. اخلاقی  
 داماسکوس پس از اخراج از دسته نجات آتش نشانی، بدتر از قبل  
 می‌شود.

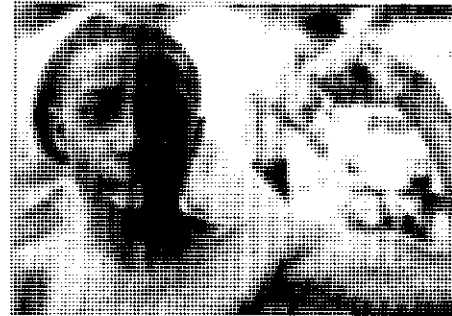
جرج، ورنون، بادی و سونیا برای شنا به استخر محل خود می‌روند.  
 پس از آن، وقتی که در کنار استخر مشغول شوخی‌های خطرناک  
 هستند، بادی از ناحیه سر ضربه سختی می‌خورد و می‌میرد.

دوستانش جسد او را مخفیانه خارج نموده و در ساختمانی متروکه  
 پنهان می‌کنند. جرج که تا حدودی بی‌دست و پا به نظر می‌رسد،  
 می‌تواند نوجوان سفیدپوستی را نجات دهد که نامش تایلر است.  
 وقتی پس از نجات به هوش می‌آید، خود را در مقام یک قهرمان  
 احساس می‌کند، لباس‌هایی متفاوت می‌پوشد و به ناسیا می‌گوید  
 که قصد دارد در آینده رئیس‌جمهور شود.

جرج، ورنون و سونیا، در پی نابیناشدن بادی، توسط پلیس مورد  
 بازجویی قرار می‌گیرند. آنها حرفی نمی‌زنند، اما ورنون مورد آزار  
 واقع می‌شود. او سونیا را ترغیب می‌کند تا با او فرار کند. آن دو  
 اتومبیلی را می‌دزدند، اما تصادف می‌کنند و به تأسیسات راه‌آهن  
 صدمه وارد می‌آورند. داماسکوس، سگ جرج را می‌کشد، اما پس  
 از آن پشیمان می‌شود. ناسیا، یک بار دیگر بر مهربانی و توجهش  
 به جرج تأکید نموده و نسبت به آینده درخشان او ابراز امیدواری  
 می‌کند.

نایستان، شهر صنعتی کوچکی در کارولینای شمالی.  
 بادی، کودک سیاه‌پوست ده‌ساله‌ای که در ناامنی شدیدی زندگی

می‌کند، از سوی دوستش، دختری به  
 نام «ناسیا» مورد بی‌مهری قرار می‌گیرد  
 و در پی آن، دوست مسترکشان جرج  
 ریچاردسن توجه ناسیا را به خود جلب  
 می‌نماید. این اتفاقات روحیه بادی را  
 به شدت خراب می‌کند. بادی به سراغ  
 دوستی که از آنها بزرگتر است و ورنون  
 نام دارد، می‌رود و از او می‌خواهد تا در  
 وضعیت به‌وجودآمده مداخله کند، اما  
 ناسیا تحت تأثیر قرار نمی‌گیرد. پدر جرج



## هوش مصنوعی

### A. I. Artificial Intelligence

کارگردان: استیون اسپیلبرگ  
 نویسنده فیلمنامه: استیون اسپیلبرگ، براساس داستانی سینمایی از یان وانسون  
 ویر گرفته از داستان کوتاهی از برایان آلدیس  
 فیلمبردار: یاتوش کامینسکی  
 موسیقی: جان ویلیامز  
 بازیگران: هیلی جونل از مونت (دیوید)، جود لائو (مارتین)، فرانس اوکانر (مونیکا)، سام روبردز (هنری سونیتون)، جیک تامس (مارتین سونیتون) و صداهاى رابین ویلیامز (دکتر تو)، جک آنجل (ندی)، بن کینگزلی (متخصص)، سریل استریپ (مکای آبی).



زمان فیلم: ۱۴۵ دقیقه و ۵۰ ثانیه مناسب برای سنین بالای ۱۲ سال محصول ۲۰۰۱ آمریکا.

روند ذوب شدن یخ پهنه‌های زمین، شهرهای زیادی را به نابودی کشانده است اما سازمان کنترل جمعیت اطمینان می‌یابد که آمریکا هنوز سرزمینی امن و آرام است. پروفیسور هایی از موسسه Manufacturing Cybertronics پیشنهاد ساخت یک روبوت بسیار پیشرفته را می‌دهد که با ظاهری شبیه به یک کودک، قابلیت تجربه و لمس احساسات را دارد. نمونه اصلی و مدل اولیه، دیوید نام می‌گیرد. دیوید، جایگزین دو نفر از کارمندان موسسه به نام هنری سونیتون و همسرش مونیکا می‌شود که فرزندشان مارتین به لحاظ بروند شناسی منجمد شده و باید تا زمان پیدا شدن راه مناسبی برای معالجه بیماری علاج‌ناپذیرش، در همان وضعیت باقی بماند. آزمایشی که طی

آن مونیکا و دیوید ارتباطی سکرآور با یکدیگر برقرار می‌کنند، با موفقیت همراه می‌شود. مونیکا حتی به او یک اسباب‌بازی فوق‌العاده می‌دهد که در واقع یک مینی‌روبات هوشمند است. با معالجه‌شدن و بهبودی مارتین، دیگر به دیوید نیازی نیست. مارتین با حسادت زیاد، برای دیوید در دسر درست می‌کند. وقتی مونیکا برای آنها داستان پینوکیو و ملکه مهربان را می‌خواند، دیوید به این نتیجه می‌رسد که برای حفظ احساس عاشقانه مادرش باید به یک پسر واقعی تبدیل شود. پس از آنکه در سانحه‌ای دیوید آسیب سختی به مارتین وارد می‌کند، مونیکا، دیوید و ندی را به ناحیه‌ای سرد و دور دست می‌فرستد و دیوید در آنجا با انبوهی از روبوت‌های از کار افتاده مواجه می‌شود. اما خود را از تباهی و نابودی محتوم و قطعی نجات می‌دهد و با کمک جویی - روبوت عاشقی که از مجازات می‌گریزد - به داج‌سیتی می‌رود که در واقع مرکز عیاشی، و شلوغ و پررفت و آمد است. در آنجا یک کامپیوتر دانای کل به او می‌گوید که فرشته مهربان را می‌توان در آخر دنیا و قبل از منتهن پیدا کرد. جویی، با فرار از دست پلیس، دیوید را با هلی کوپتر به شهر غرق شده می‌برد و او را با پروفیسورهایی روبرو می‌کند که تعداد بسیار زیادی روبوت شبیه دیوید ساخته‌اند. دیوید از سر ناامیدی، خود را به داخل آقیانوس می‌اندازد، اما در اعماق آقیانوس مجسمه فرشته مهربان را می‌یابد و از او می‌خواهد تا تبدیل به یک پسر واقعی شود. با گیرافتادن در یک هلی کوپتر غرق شده، ۲۰۰۰ سال تمام را در کنار مجسمه می‌گذرانند تا این که موجودات بیگانه به وجود او پی می‌برند و حافظه او را مورد رمزگشایی قرار می‌دهند. با استفاده از سنجاق موی سر مونیکا که ندی آن را نگهداشته بود، آنها قادر می‌شوند یک بار دیگر او را بازسازی کنند و دیوید نهایتاً به آرزوی خود می‌رسد. پس از آنکه روز سرخوشی به پایان می‌رسد، مادر و پسر به خواب می‌روند و ندی به آنها خیره می‌شود.

## ساعت پر ترافیک ۲

### Rush Hour 2

کارگردان: برت راتنر / نویسنده فیلمنامه: جف ناناسون  
 بر مبنای شخصیت‌های خلق شده توسط راس لامانا / بازیگران: کریس تاکر (کارآگاه جیمز کارتر)، جکی چان (کارآگاه بازرسی لی)، جان لون (ریکی تان)، آلن کینگ (استیون رین)، روز لین سانچز (مامور ایزابلا مولینا)، هریس مولین (مامور استرلینگ). زمان فیلم ۸۹ دقیقه و ۵۸ ثانیه. مناسب برای سنین بالای ۱۲ سال. محصول ۲۰۰۱ آمریکا.

هنگ‌کنگ زمان حال، کارآگاه بازرسی لی میزبان کارآگاهی به نام کارتر است که تعطیلات خود را در هنگ‌کنگ می‌گذراند. یک بمب‌گذاری در سفارت آمریکا که منجر به کشته شدن دو آمریکایی می‌شود، آرامش و تفریح آنها را از بین می‌برد. مظنون اصلی بمب‌گذاری، گانگستری به نام ریکی تان است که قبلاً پلیس بوده



و به پدر لی خیانت ورزیده، لی و کارتر سراسر هنگ‌کنگ را در جستجو و تعقیب ریکی زیر پا می‌گذرانند و مدام با آدم‌ها و دارو دسته او درگیر می‌شوند. در این رهگذر، آنها با یک زن آدمکش و مرموز با نام هولی، یک میلیونر آمریکایی به نام استیون رین و شریکش، ایزابلا مولینا روبرو می‌شوند. هاولی روی قایق تفریحی رین، تان را مورد هدف قرار می‌دهد. کارتر و لی، هولی رین و مولینا را تا لوس‌آنجلس تعقیب می‌کنند. آنها متوجه می‌شوند که بمب‌گذاری در سفارت، با برنامه‌های رابین برای جعل اسکناس‌های صد دلاری و پخش آن از طریق کازینوی او در لاس و گاس مرتبط است و مولینا در واقع یک مأمور مخفی اطلاعات و امنیت آمریکا است که خود را به عنوان یک مأمور فاسد جازده است. هولی، کارتر و لی را می‌رباید و آنها را به لاس و گاس می‌برد، اما آنها فرار می‌کنند و دستگاه چاپ و جعل اسکناس در کازینوی رین را لو می‌دهند. نان مرگ خود را اعلام می‌کند و در پی آن برای کشتن رین، دو مرتبه پیدایش می‌شود. پس از یک درگیری طولانی، کارتر و لی، تان را به قتل می‌رسانند. هولی کازینو را به آتش می‌کشد و ظاهراً خود نیز در آن می‌سوزد. اما کارتر، لی و مولینا فرار می‌کنند.

## موفقیت (امتیاز)

### The Score

کارگردان: فرانک از / نویسندگان فیلمنامه: کاربو سالم، لم دابز، اسکات مارشال اسمیت براساس داستانی از دانیل ای. تیلور و لم دابز / بازیگران: رابرت دونیرو (نیک ولز)، ادوارد نورتن (جکی تلو / برایان)، آنجلا باست (دایان)، مارلون براندو (ماکس بارون)، گری فارمر.

زمان فیلم: ۱۲۲ دقیقه و ۴۴ ثانیه. مناسب برای سنین بالای ۱۵ سال. محصول ۲۰۰۱ آمریکا و آلمان. مونترال، زمان حال. نیک ولز، دزدی کاملاً حرفه‌ای است که مالکیت یک کلوب جاز را در اختیار دارد. او مدتی است به این موضوع فکر می‌کند که بهتر است از کارهای خلاف کناره‌گیری کند تا فرصت بیشتری برای صرف وقت با دوستش دایان داشته باشد. مال خری سابقه‌دار به نام ماکس با نقشه یک سرقت بزرگ نزد وی می‌آید. نیک خود را در موقعیتی مناسب برای کسب آخرین موفقیت روبرو می‌بیند. وی برای عملی ساختن این رزو ناچار است بخشی از قواعد خود خواسته‌اش را زیر پا بگذارد؛ از جمله اینکه هیچگاه در مونترال مرتکب خلافی نشود و همیشه به تنهایی کار کند.

حالا او باید با جوان سمج و پررویی به نام جکی همکاری کند که به عنوان سرایدار اداره گمرک بندر مشغول به کار است و در طرح سرقت، نقش یک عقب‌مانده ذهنی به نام برایان را بازی می‌کند. نیک که از پافشاری جکی برای شرکت در سرقت به تنگ آمده یکی از سرسپرده‌هایش را مأمور از میان برداشتن او می‌کند. اما جکی نشان می‌دهد که از مرد حمله‌کننده به او، چندین سر و



گردن بالاتر است. بالاخره نیک قبول می‌کند جکی در صورتی که به اصول مورد نظر وی پایبند باشد در پروژه همکاری کند. در همین حال دایان از تأخیر نیک برای کناره‌گیری از کارهای خلاف و پیوستن به او اظهار نگرانی می‌کند. نقشه نیک برای دستیابی به گاوصندوقی که قبلاً فهمیده‌ایم چیزی جز یک چوگان پادشاهی در آن نیست، کاملاً به موفقیت جکی در از کار انداختن سیستم کنترل امنیتی در طی سرقت بستگی دارد. نیک برای دستیابی به موفقیت با کمک یک هکر کامپیوتری که از دوستان خودش است تماس می‌گیرد. اما سیستم کنترل امنیتی به شدت محافظت می‌شود و گروه مجبور است یکی از سلسل‌شوران امنیتی را برای در اختیار گرفتن سیستم، به جمع خود راه دهد.

موقعی که جکی هنگام رد و بدل کردن پول اسلحه می‌کشد، نیک به شدت عصبانی می‌شود و او را از استفاده از آن، در موقع کار منع می‌کند. در پایان روز تدابیر امنیتی شدت بیشتری پیدا می‌کند. نیک تصمیم می‌گیرد کار را نیمه‌تمام بگذارد، اما ماکس توضیح می‌دهد که گرفتار یک گانگستر محلی شده و در صورتی که طرح با موفقیت به پایان نرسد نتیجه ناخوشایندی برای آنها رقم خواهد خورد. نیک به خاطر کمک به دوستش، اعتراضات خود را نادیده می‌گیرد و کارش را ادامه می‌دهد. در طی سرقت، سرنگهبان به هویت اصلی جکی پی می‌برد. جکی او را زندانی می‌کند و نیک چوگان شاهی را از گاوصندوق بیرون می‌آورد. نیک و جکی جداگانه از محل سرقت فرار می‌کنند. جکی به نیک تلفن می‌کند و اصرار می‌ورزد تا وی از انتقام صرفنظر کند. نیک به جکی می‌گوید به داخل کیف نگاه کند. درون کیف چیزی جز همان چوگان قدیمی بی‌ارزش نیست. نیک که چوگان را در دست دارد، متواری می‌شود.

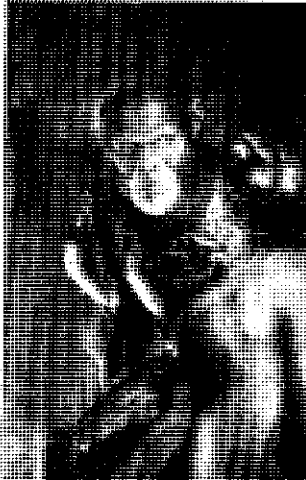
## سیاره میمون‌ها

### Planet Of Apes

کارگردان: تیم برتون / نویسندگان فیلمنامه: ویلیام برویس جونیور، لارنس کامنز، براساس رمان سیاره میمون‌ها نوشته پی. بر بول / بازیگران: مارک والبرگ (کاپیتان لئو دیویدسون)، تیم رات (تید)، هلنا بونهام کارتر (آری)، مایکل کلارک دانکن (آتار)، کریس کریستوفرسون (کروبی)، استلا وارن (دائنا).

زمان فیلم: ۱۱۹ دقیقه و ۵۱ ثانیه. مناسب برای سنین بالای ۱۲ سال. محصول ۲۰۰۱ آمریکا.

مدار کره زمین، آینده‌ای نزدیک، لنودیدسون، ستاره‌شناسی است که در یک ماهواره تحقیقاتی به نام اوبرون روی شامپانزه‌ها کار می‌کند. یکی از میمون‌های مورد علاقه او به نام پریکلز، در جریان یک توفان الکترومغناطیسی ناپدید می‌شود و لئو برای نجات او تحقیقاتش را رها می‌کند. در کدر زمان، لئو در نیایی پایی گذارد که در آن، میمون‌های ناطق بر طیفه زیر دست انسان‌ها حکومت می‌کنند. لئو، همراه با کروبی، رهبر انسان‌ها و دخترش، دائنا توسط میمون‌ها دستگیر می‌شوند. آری، دختری آزاداندیش و لیبرال یکی از میمون‌ها به نام ساندرا، لئو را می‌خرد. لئو با کمک آری، توسط فرار گروهی از انسان‌ها را می‌دهد. گروهی در هنگام فرار گرسنه می‌شود و گروهی به رهبری



فردی خودخواه به نام ژنرال تید که قصد دارد لئو را بکشد و با آری از دوایج کند، به سرگردانی گرفتار می‌شوند. لئو که کماکان از ماهواره اوبرون سیگنال‌های ارتباطی دریافت می‌کند، ارتشی متشکل از انسان‌ها را که هر لحظه بر تعداد نفراتش افزوده می‌شود، به سمت منطقه‌ای ممنوع رهبری می‌کند و در آنجا، بقایای ماهواره تحقیقاتی را می‌یابد که کاملاً از بین رفته است. آنجاست که متوجه می‌شود این سیاره توسط میمون‌های مورد آزمایش داخل اوبرون، به صورت مستعمره درآمده است. در همین حال، آری به تید پیشنهاد می‌کند به شرط برقراری صلح میان موجودات حاضر است با او ازدواج کند. تید، آری را با مهر مخصوص انسان‌ها دغ می‌کند و ارتش خود را بر بی رویارویی با انسان‌ها تجهیز می‌نماید، در میانه نبرد، پریکلز، همان شامپانزه محبوب لئو، پیدایش می‌شود. وی لئو را به آغوش می‌کشد و به عنوان بک خدایگان باستانی مورد حمایت و پذیرایی بقیه میمون‌ها قرار می‌گیرد. فقط تید است که از زمین گذاشتن اسلحه خود احتساب می‌کند و در ویرانه‌های اوبرون گیر می‌افتد. آری قول می‌دهد که انسان‌ها و میمون‌ها همزیستی مسالمت‌آمیز و نوام با صلح را فرآ خواهند گرفت. لئو سوار بر موج‌های توفان الکترومغناطیسی می‌شود به این امید که دوباره بتواند به نیای خود باز گردد. او خود را در واکنشگن دی‌سی می‌یابد. مأموران پلیس تورپلی در شهر مشغول گشت هستند و بنای یادبود لینکلن به بنای یادبودی برای ژنرال تید تغییر یافته است.

## Enigma

کارگردان: مایکل اپتد / نویسنده فیلمنامه: تام استوپارد براساس رمانی از رابرت هریس / موسیقی و رهبر ارکستر: جان باری / بازیگران: دوگری اسکات (نام جریکو)، کیت وینسلت (هستر والاس)، جرمی پورت هام (ویگرام)، سافرون باروز (کلر رومیلی)، نیکلای کاستر والدانو (پاک پاکووسکی). نام هالاندر (لوزی). زمان فیلم: ۱۱۸ دقیقه و ۴۸ ثانیه. مناسب برای سنین بالای ۱۵ سال. محصول ۲۰۰۱ هلند، آمریکا، انگلستان، آلمان.



مارس ۱۹۴۲، پارک بلچلی، مقر سرویس جاسوسی بریتانیا در جنگ علیه آلمان. تام جریکو، برای کمک به رمز گشایی یک رمز آلمانی فراهانده می شود تا با تسریع در این عمل قبل از آنکه دشمن بتواند کاروان دریایی کشتی‌های متفقین در حال گذر از اقیانوس اطلس را نابود کند، اطلاعات لازم به دست می آید. مقامات امنیتی، احتمال می دهند در داخل سیستم اطلاعاتی واقع در پارک بلچلی، جاسوسی مشغول فعالیت است که به آلمان‌ها کمک می کند تا مرتباً رمزهای خود را تغییر دهند. در همان حال تام درمی یابد که معشوقه قلبی اش «کلر» ناپدید

## قول

### Pledge

کارگردان: شون پین / نویسندگان فیلمنامه: جری کورومولووسکی و مری اولسون براساس کتاب **Das Versprechen** اثر فردریش دورنمات / موسیقی: هانس زیمر و کلاوس بدلت / بازیگران: جک نیکلسون (جری بلاک)، پاتریشیا کلارکسون (مارگارت لارسن)، بنیچو دل تورو (تابی جی وادنا)، دیل دیکی (استورم)، آرون اکمارت (استان کرولاک)، کوستاس ماندیلور (موناش). زمان فیلم: ۱۲۲ دقیقه و ۲۷ ثانیه. مناسب برای سنین بالای ۱۵ سال. محصول ۲۰۰۰ آمریکا. آمریکا، زمان حال. جری بلاک کارآگاه بخش قتل عمد، در آستانه بازنشستگی اش اصرار می کند تا به کوههای نوادا، جایی که دخترکی هشت ساله به نام جینی مورد تجاوز و قتل قرار گرفته سری بزند. بلاک به مادر دخترک قول می دهد که به هر تریبی قاتل دختر را پیدا کند. همکار بلاک، استان کرولاک از ناپی‌وارنا که یک سرخپوست سابقه‌دار و ساده لوح است اعتراف



شده است.

با رجوع به خانه او مجموعه‌ای از رمزهای آلمانی که به‌طور پنهانی کنترل شده‌اند را در پارکت کف اتاق پیدا می کند. او به اتفاق هم خانه کلر که هستر نام دارد برای تحقیق و بررسی اقدام می کند. در عین حال، نام خودش توسط یک مأمور سرویس مخفی به نام ویگرام تحت کنترل و نظارت دقیق و فزاینده‌ای قرار می گیرد. موقع کار، تام موفق به گشودن رمزها می شود و کاروان دریایی متفقین را نجات می دهد. او و هستر متوجه می شوند که مدارک پیدا شده در خانه کلر، در واقع لیست سربازان لهستانی است که همگی در شروع جنگ توسط ارتش روسیه قتل عام شده‌اند. آنها همچنین تشخیص می دهند که عامل نفوذی در پارک بلچلی یک رمزگشای لهستانی به نام پوکوفسکی است که پس از با خبر شدن از قضیه قتل عام، به طرفداری از آلمان‌ها برمی خیزد. درمی یابد کلر، معشوقه پوکوفسکی بوده است و به او کمک کرده تا به اطلاعات دست یابد. نام که احتمال می دهد پوکوفسکی بتواند دریافتن کلر به او کمک کند وی را تعقیب می کند. پوکوفسکی به محلی در سواحل دور افتاده اسکاتلند می رود تا در آنجا سوار بر یک زیردریایی آلمانی شود. ویگرام دستور می دهد به محض سوار شدن پوکوفسکی، زیردریایی را بمباران کنند. پس از جنگ، تام در نگاهی گزاف، کلر را می بیند که از میدان ترافالگار عبور می کند، در حالی که خود، منتظر آمدن هستر است.

می گیرد و چندی بعد تابی با شلیک گلوله به زندگی خود پایان می دهد. بلاک که از نتیجه بررسی‌ها زیاد راضی نیست. با مادر بزرگ جینی و یکی از همکلاسی‌های او که به یک نقاشی متعلق به جینی اشاره می کند، به گفت‌وگو می پردازد. جینی در نقاشی خود مرد درشت هیكلی را در حال راندن یک اتومبیل مشکی به تصویر می کشد. بلاک پس از یافتن ارتباط میان قتل جینی و دو فقره قتل دیگر که پرونده‌شان هنوز باز است به این نتیجه می رسد که قاتل دوباره ضربه خواهد زد، اما پولاک مافوق بلاک از گشودن دوباره پرونده امتناع می کند. بلاک پمپ بنزینی را در نقطه مناسبی از شهر و نزدیک به تقاطع حومه شهر خریداری می کند و با پیشخدمتی به نام لوری و دختر هشت ساله اش کریسی آشنا می شود و پس از آنکه لوری مورد ضرب و شتم شوهر سابقش قرار می گیرد، هر دو را به خانه خودش می آورد. بلاک با اطمینان از این که کریسی در مقابل دید عموم قرار دارد، متوجه حضور مشکوک یک واعظ محلی می شود. چندی بعد کریسی به بلاک توضیحاتی درباره یک شکلات با ظاهری شبیه به جوجه تیغی می دهد و رابطه میان اظهارات او با جوجه تیغی تصویر شده در نقاشی جینی قوی تر می شود. بلاک در منطقه‌ای که توسط گروهی به رهبری کرولاک زیر نظر است، برای قاتل تله می گذارد. از مظنون به قتل خبری نمی شود و مأموران منطقه را ترک می کنند. لوری، کریسی را از آن حوالی دور می کند و بلاک را مورد سرزنش قرار می دهد. قاتل - بدون این که شناخته شود در راه رسیدن به مکانی که کریسی در آنجا به سر می برد و کشتن وی - در تصادف با یک تانکر کشته می شود. اما تا سالها بعد بلاک کماکان منتظر قاتل است.

## شمشیر ماهی

### Sword fish

کارگردان: دومینیک سنا / نویسنده فیلمنامه: اسکپ وودز / بازیگران: جان تراولتا (گابریل شی پر)، هوبوگمن (استانلی جانسون)، هال بری (جینجر)، دان چیدل (مامور رابرتز)، وینی جونز (مارکو) و سام شپارد (سانتور ریزمن).

زمان فیلم: ۹۹ دقیقه و ۸ ثانیه مناسب برای سنین بالای ۱۵ سال. محصول ۲۰۰۱ آمریکا و استرالیا.

لوس آنجلس، زمان حال. در میانه یک سرقت پرسروصدا و گسترده از بانک گابریل شی پر مأمور ردل و ناپاک دولت باعث گروگان گیری می شود.

چهار روز قبل، پس از جلوگیری از ورود یک مجرم و خرابکار بین المللی کامپیوتر به ایالات متحده و کشته شدن او در جریان بازداشتش، استانلی جانسون که یک هکر کامپیوتری است با دختری زیبا و مرموز به نام جینجر درباره سفارش یک کار احتمالی صحبت می کند. عواید این کار، استانلی را قادر خواهد ساخت تا بازداشت دختر جوان خود را منتفی کند. وی پس از مدت کوتاهی



## فانتزی نهایی

### Final Fantasy

### The Spirits Within

کارگردان: هیرونوبو ساکاگوچی / نویسندگان فیلمنامه: ال رینرت، جف ویتار براساس داستانی از هیرونوبو ساکاگوچی / صداها: مینگنا (دکتر اکی راس)، الک بالدوین (کاپیتان گری ادواردز)، وینگ رامز (رایان)، دانالد ساترلند (دکتر سید)، جیمز وودز (ژنرال هین)، جین سیمونز (عضو شورا) / زمان فیلم: ۱۰۵ دقیقه و ۵۱ ثانیه مناسب برای تمامی سنین (برای کودکان با نظارت والدین)، محصول ۲۰۰۱ آمریکا.

سال ۲۰۶۵، سی و شش سال پیش، زمین توسط موجودات فضایی که همچون شیخ ظاهر می شوند، مورد هجوم قرار گرفته است. انسانهای نجات یافته از این حمله، در شهرهایی زندگی می کنند که با دیوارهای عظیم و شفاف، از جمله موجودات فضایی محافظت می شود. دانشمندی به نام خانم دکتر اکی راس در نیویورک خالی از سکنه به دنبال شش روح از هشت روحی



شی پر را که کماکان در دستگاه دولتی روابط پنهان دارد ملاقات می کند. گابریل برای انتقال الکترونیکی میلیاردها دلار پول از دارایی های غیرقانونی و تطهیر آنها به عنوان اموال مشروع، به کمک استانلی نیاز دارد تا با این کار سرمایه لازم برای فعالیت های تروریستی اش را تأمین کند.

استانلی خیلی زود متوجه می شود، که کارش به جاهای باریک کشیده شده. چنیفر، توضیح می دهد که در واقع یک مأمور اجرایی در زمینه موادمخدر است که ماموریتش تعقیب گابریل است. در همان حال آدمهای گابریل، دختر استانلی را می زدند تا از بابت شرکت کردن او در برنامه ها و نقشه هایشان مطمئن باشند. در طی یک درگیری شدید گابریل جینجر را به قتل می رساند. در اجرای بخشی از برنامه، اتوبوسی پر از گروگان به هلیکوپتری که بر فراز شهر پرواز می کند و روی پام ساختمانی فرود می آید، نزدیک می شود. استانلی به موقع هلی کوپتر را منفجر می کند و قبل از آنکه به همراه دخترش پا به چاده بگذارد، باقیمانده جسد گابریل را شناسایی می کند. در نقطه عطف آخر، گابریل و جینجر در کنار هم در مونت کارلو دیده می شوند که در حال فراهم کردن مقدمات سرقت الکترونیکی دیگری هستند!

می گردد که عقیده دارد کلید رهایی زمین از وجود اشباح هستند. دسته ای از سربازان به رهبری گری ادواردز که قبلاً عاشق خانم دکتر بوده، او را پیدا می کنند و با خود می برند. پس از آن مورد حمله قرار می گیرند، اما به شهری که قبلاً جزیره منهدن بوده و حالا باربررسی نام دارد، فرار می کنند. همکار راس، دکتر سید نتیجه تحقیقات خود درباره ارواح و اشباح را در اختیار انجمن زمینی ها قرار می دهد. او عقیده دارد که هر شیء دارای روح است و روح زمین نیز گایا است.

ژنرال هین که مخالف این عقیده است، پیشنهاد می کند تا برای مقابله با موجودات مهاجم، از توپ های فضایی پیشرفته استفاده شود. انجمن پس از آنکه متوجه می شود راس در اثر حمله موجودات فضایی برای مدتی مبتلا به بیماری سختی شده ولی با استفاده از نتایج تحقیقات دکتر سید، توانسته زنده بماند، با بی میلی، جانب دکتر سید را می گیرد.

راس و جوخه سربازان ادواردز، به سمت توسکان ویستلند می روند و در آنجا هفت روح را پیدا می کنند. اما در بازگشت توسط سربازان ژنرال هین دستگیر می شوند. آنها در زندان، متوجه می شوند که موجودات فضایی ارواح عذاب کشیده نژادی هستند که سالها قبل مرده اند.

هین تلاش می کند تا انجمن را وادار سازد مرزها و دیوارهای شهر را از میان بردارند و اجازه دهند اشباح وارد شهر شوند. وقتی شهر در اثر هجوم به نابودی نزدیک می شود، هین به سمت توپها و مسلسل های فضایی خود می گریزد که انجمن زمینی ها از او خواسته تا از آن تسلیحات استفاده کند. گروه راس با کشتی خود فرار می کنند، اما نیل، جین و رایان، از آن گروه گرفتار اشباح می شوند. پس از آن، به سمت دهانه یک آتشفشان در کوههای قفقاز می روند که شهابی که اولین بار پای موجودات فضایی را به زمین باز کرده، در آنجا فرود آمده است. راس و ادواردز وارد دهانه آتشفشان می شوند و آخرین روح را که متعلق به یکی از موجودات بیگانه است پیدا می کنند. ادواردز کشته می شود؛ روح جدا شده از تنش با گایا ارتباط برقرار می کند و موجی از انرژی را بدید می آورد که خیل اشباح را نابود می کند.